

گفت‌و گوی «جوان» با ابوالشهی‌دین آیت‌الله معلمی درباره جایگاه خبرگان در فقه شیعه

طبق قرآن اطاعت از ولی فقیه بر خبرگان واجب است



گفت‌و گو علیرضا داوودی

مسئله نقش و جایگاه خبرگان رهبری در فقه شیعی از مواردی است که به رغم نظرات متنوع فقهی ارائه شده حول آن، همچنان مستلزم بحث و واکاوی است. در گفت‌وگویی که با آیت‌الله معلمی، نماینده مردم استان مازندران در مجلس خبرگان رهبری و از شاگردان میرز حضرت امام خمینی(ره) ترتیب دادیم، به بحث حول مسائلی نظیر پیرامون جایگاه و اهمیت مجلس خبرگان، وظایف خبرگان و شرایط لازم خبرگان در فقه شیعه و نظام ولایت فقیه پرداختیم.

□ □ □

فقه شیعه‌ای در بحث ولایت و انتخاب ولی فقیه وظایف‌ها در عهده خبرگان منتخب ملت قرار داده‌است و بر چه اساسی لزوم خبرگان را اثبات می‌کند؟

در باب سؤالی که مطرح شد باید عرض کنم از منظر مکتب اهل بیت (ع) که اساس فقه شیعه را تشکیل می‌دهد مکلفین موظف به شناسایی فقیه جامع‌الشرایط به منظور تصدی امر افتاء و همچنین اظهار نظر در مورد فروعات فقهی و رویدادهای تازه زندگی یا همان مسائل مستحدثه می‌باشند. پس از این شناسایی و انتخاب فقیه فتوای ایشان که همان دستورات دین می‌باشد انجام داده از ایشان تبعیت و تقلید کند.

انتخاب چنین فردی که دارای ویژگی‌هایی مانند علم و عدالت باشد نیازمند پیش‌زمینه‌ها و آگاهی‌هایی است که همگان بدان دسترسی و تسلط ندارند و تحصیل این قدرت علمی و اطلاعاتی برای همه مکلفین میسر نیست مخصوصاً در باب شناسایی فرد اعلم در میان فقها. عقل که یکی از منابع فقه شیعه می‌باشد در چنین موردی حکم به رجوع به متخصصی می‌کند که یعنی هر فردی برای تشخیص مرجع تقلید واجد شرایط از میان مجتهدین موجود باید به متخصصین این امر یا همان خبرگان این زمینیه رجوع کند تا با استفاده از نظر کارشناسانه و عملی آنان فرد شایسته را برگزیند و در امور مختلف از او پیروی کند. پس از پیروزی انقلاب رهبری امام خمینی (ره) و تصویب قانون اساسی، رهبری نظام اسلامی بر عهده فقهایی جامع‌الشرایط قرار داده شد که علاوه بر شروط و صفات معمول مانند اجتهاد و عدالت باید از بینش سیاسی و اجتماعی، شجاعت، مدیریت و قدرت لازم برای رهبری جامعه برخوردار باشند چراکه حفظ و صیانت از دولت اسلامی منوط به نظارت فقیه و ولایت فقیه و بر خودراری از این شرایط است.

برای شناخت این فقیه جامع‌الشرایط نیز همانند تعیین مرجع تقلید، فقه شیعه رجوع به خبره و خبرگان را

لازم می‌داند و مسئولیت آن را بر عهده خبرگانی قرار داده‌است که توسط ملت ایران تعیین می‌شود و این مجلس خبرگان دارای ریشه الهی است و این ریشه خود اثبات‌کننده ولایت فقیه است. برای تعیین این افراد خبره نیز قانون اساسی شرایط و نظم و نسق قانونی قرار داده‌است تا طبق موازین قانونی و نظارت شورای محترم نگهبان قانون اساسی و با رأی مستقیم مردم خبرگان منتخب ملت انتخاب شوند و امر خطیر انتخاب رهبر نظام اسلامی ایران را بر عهده بگیرند و اشراف بر کار رهبری را عهده‌دار شوند. به واسطه همین جایگاه و وظایف مجلس خبرگان در نظام جمهوری اسلامی، تعیین‌کننده‌ترین رکن از رکان نظام است.

سؤالی که قبل از ادامه بحث در مورد وظایف و شرایط خبرگان رهبری ترجیح می‌دهم بپرسم این است که وقتی اعضای مجلس خبرگان رهبری و وظیفه تعیین و شناسایی فرد دارای شرایط مذکور و معرفی او به عنوان رهبر جامعه را بر عهده دارند، آیا به واسطه این وظیفه بر فرد منتخب یا همان رهبر برتری دارند، به بیان دیگر نسبت خبرگان با کسی که منتخب آنان است چیست؟

پیش از انتخاب فرد واجد شرایط به عنوان رهبر هر شخصی اعم از اعضای مجلس خبرگان و فرد منتخب دارای جایگاه اجتماعی خاص خود هستند و بر اساس آن جایگاه سنجیده می‌شوند اما پس از انتخاب یک فرد به عنوان رهبر جامعه اسلامی جایگاه این فرد تغییر می‌کند و در اجرای رهنمودها و دستورات مولوی ایشان همگان وظیفه اطاعت دارند چه اعضای مجلس خبرگان و چه سایر مردم و حتی فقهای بزرگ و مراجع عظام تقلید و در هر مسئله که رهبری حکمی داده باشند همه باید اطاعت کنند مثلاً اگر در باب تعیین پایان ماه مبارک رمضان و اثبات اول شوال شک و تردیدی وجود داشته باشد اما ولی امر و رهبر جامعه حکمی‌کنند و مثلاً احراز اول ماه شوال کنند کسی حق مخالفت نداشته و همگان باید بپذیرند. این لزوم پذیرش حکم و دستور مولوی ولی فقیه، یک حکم شرعی است به مقتضای آیه ۵۹ سوره نساء که می‌فرماید «یا ایها الذین آمنوا اطیعوا الله و اطیعوا الرسول و اُولی الامر منکم». در این آیه خداوند دستور می‌دهد به اطاعت از خدا، پیامبر گرامی اسلام و همچنین اولی‌الامر که طبق نظر مفسرین و علما، فقیه عادلی که در جایگاه رهبری قرار گرفته مصداق روشنی از مصادیق اولی‌الامر می‌باشد. بدین ترتیب خبرگان ملت پس از تعیین و شناسایی رهبر جامعه در ارتباط با ایشان دارای نسبتی همانند عموم جامعه هستند و باید از ایشان فرمان‌بردار بوده‌اومر و نوای ایشان را اطاعت کنند.

همانگونه که اشاره نمودید وظیفه مجلس خبرگان بسیار مهم و خطیر است و بدین سبب تعیین و انتخاب این افراد هم بالطبع بسیار مهم و حساس خواهد بود. بی‌شک هر فردی لیاقت عضویت در این مجلس را ندارد ولی در فقه اسلامی و قانون اساسی جمهوری اسلامی چه شرایطی برای خبره و خبرگان در نظر گرفته شده تا تضمین‌کننده صحت تصمیمات ایشان در انتخاب رهبر باشد؟

دین مبین اسلام و فقه شیعی در باب تعیین مرجع تقلید و رجوع به خبره شرایطی را ذکر کرده‌است. بر اساس این شرایط مذکور در دین، خبرگانی که مورد مشورت مؤمنین برای شناسایی و انتخاب مرجع تقلید قرار می‌گیرند باید در بعد علمی توانایی شناخت مجتهد اعلم را داشته باشند و در بعد عملی مورد اعتماد و وثوق مردم قرار گرفته باشند تا اظهار نظر آنان برای مؤمنین مورد وثوق و قابل اعتماد باشد همین شرایط عام در مورد تعیین رهبر نیز وجود دارد اما علاوه بر این شرایط مشترک برای تعیین رهبر، در قانون اساسی و قوانین مصوب مجلس خبرگان ذکر شده‌است که در بعد علمی داشتن قدرت استنباط (اجتهاد) حداقل در بعضی از ابواب فقه و اشتهار به دیانت، وثوق و شایستگی اخلاقی و دارا بودن بینش سیاسی و اجتماعی و اعتقاد به ولایت فقیه در کنار نداشتن سوابق سوء برای خبرگان رهبری الزامی است.

در ابتدای بحث فرمودید خبرگان علاوه بر عهده‌دار بودن وظیفه خطیر انتخاب رهبر جامع‌الشرایط، اشراف بر کارهای ایشان را نیز بر عهده دارند؛ این بدین معناست که خبرگان منتخب وظیفه نظارت بر رهبری را هم بر عهده دارند یا به عبارت دیگر نظارت بر رهبری هم بخشی از وظایف خبرگان است؟

در قانون اساسی جمهوری اسلامی در سبب وظایف خبرگان عبارت و لفظ نظارت وجود ندارد و ذکر نشده که



تجربه ۳۷ سال گذشته نشان داده‌است که در مواقع خطر و بروز فتنه‌ها چه در ایام زعامت امام راحل و چه در دوران امامت خلف صالح ایشان، روشنگری‌ها و هدایت‌های حکیمانه امام ملت، مملکت و نظام اسلامی را از مهلکه‌های سنگین نجات داده‌است



اندیشه

اندیشه ۸۸۴۸۴۷۱

صراط

حساس‌ترین انتخاب

اهمیت خبرگان رهبری از منظر آیت‌الله‌العظمی خامنه‌ای



اهمیت انتخابات خبرگان - که شاید هیچ کدام از انتخابات‌های کشور به این درجه از اهمیت و حساسیت نیاشد - در این است که با این انتخابات، مردم افسرد خیره مورد اعتماد خودشان را انتخاب می‌کنند تا اینها آماده به کار باشند برای لحظه حساس فقدان رهبری در کشور. این مجموعه مورد اعتماد

ملت باید بنشینند و با بصیرت کامل، رهبری را که قادر بر ادای تکالیف رهبری می‌دانند، انتخاب کنند و به مردم معرفی کنند. اگر چنین جمعی در آن هنگام - یعنی هنگامی که کشور به تعیین رهبر احتیاج پیدا کرده‌است، یا به خاطر اینکه رهبر قبلی از دنیا رفته است یا خدای نخواستہ از صلاحیت‌ها افتاده است، که باید رهبر دیگری را انتخاب کند - حضور نداشته باشد و آماده به کار نباشند، آنچنان گرهی در دستگاه مدیریت کشور به وجود خواهد آمد که با هیچ سرانگشتی این گره باز شدنی نیست. خصوصیت انتخاب رهبری این است.

درنگ

بررسی فقهی - حقوقی مسئله نظارت بر رهبری (۱)

آیا رهبری نظارت‌بردار است؟

■ حسین صداقت

هر چند موضوع نظارت بر رهبری در مشاجرات سیاسی به عنوان بحث روز تقلیل یافته است، لکن سال‌ها پیش این موضوع از مناظر مختلف حقوقی و فقهی مورد بررسی قرار گرفته است. از زمان خبرگان قانون اساسی که اصول قانون اساسی را محل بحث قرار می‌داد تا مقالاتی که طی این سال‌ها در صدد پاسخ به این سؤال برآمده‌اند، آنچه در ذیل می‌خوانید تلخیص یکی از مقالاتی است که در زمستان ۱۳۷۸ در مجله حکومت اسلامی به چاپ رسید و تلاش کرده از منظر فقهی به مسئله نظارت بپردازد.

منشأ این پرسش آن است که آیا جنبه «فداست» رهبری با «ظلمات» سازگار است؟ و آیا بدین اجازه چنین نظارتی را می‌دهد یا رهبر را در شأنی فراتر از نظارت قرار می‌دهد؟

اگر در دوره رهبری پیشوای معصوم، نسبت به مشروعیت یا ضرورت نظارت، تردیدی وجود داشته باشد، ولی نسبت به رهبران غیر معصوم، پاسخ مسئله روشن است و معمولاً مورد انکار قرار نمی‌گیرد. البته «فداست» رهبری، منصب رهبری را «اعتبار شرعی» می‌بخشد حاکمتر او رایه‌رتبه «جانشینی از معصوم» می‌رساند: «فقیه‌حجتی علیکم و «حکم» او را در همه موارد تدبیر جامعه و مصلحت اجتماع «افاظ» می‌گرداند و «مخالفت» با وی را «معصیت» و نافرمانی خواندند به حساب می‌آورد، ولی هیچ یک از این آثار و احکام شرعی، منافات با «ظلمات» ندارد؛ زیرا با نظارت نه منصب شرعی نغی می‌شود و نه حیطه تصمیم‌گیری رهبر محدود می‌گردد و نه از اطاعت او سرپیچی می‌شود.

فقهای این نکته را در بحث فضاوت مطرح ساخته‌اند که «بررسی» حکم حاکم، فی نفسه منعی ندارد زیرا چنین کاری نه «نقض حکم» اوست تا ممنوع باشد و نه «دُبر حاکم» است که مشمول مقبوله عمر بن حنظله باشد.

در شورای بازنگری قانون اساسی که عده‌ای از اعضای آن پیشنهاد داشتند «ظلمات بر حسن انجام وظایف رهبری» به عنوان وظیفه خبرگان در قانون اساسی ذکر شود، آقای عبدالله نوری با این استدلال که چنین نظارتی با «ولایت مطلقه فقیه» نمی‌سازد یا آن مخالفت کرد:

«هن‌خودم نمی‌فهمم، یعنی خیلی روشن نیستم با آن بخشی که در رابطه با ولایت مطلقه فقیه از یک‌طرف شد و حساسیتی که در آن رابطه بر خی از آقایان داشتند که کان‌رهبری جانشین ولایت امر و حتی امام معصوم است منتها عصمتش را ندارد، ولی ولایت و حکومتش را دارد، بعد ما بگویم به منظور حسن انجام وظایف رهبری یک گروه ناظر می‌خواهیم بگذاریم!؟»

البته خطای فاحش این دیدگاه که به توهم تناقض بین «ولایت مطلقه» و «ظلمات‌پذیری» انجامیده است درک ناصوابی است که از ولایت



با نظارت نه منصب شرعی نمی‌شود و نه حیطه تصمیم‌گیری محدود می‌گردد و نه از اطاعت او سرپیچی می‌شود. فقها این نکته را در بحث قضاوت مطرح ساخته‌اند که «بررسی» حکم حاکم، فی نفسه منعی ندارد زیرا چنین کاری نه «نقض حکم» اوست تا ممنوع باشد و نه «دُبر حاکم» است که مشمول مقبوله عمر بن حنظله باشد

پیش از انتخاب فرد واجد شرایط به عنوان رهبر هر شخصی اعم از اعضای مجلس خبرگان و فرد منتخب دارای جایگاه اجتماعی خاص خود هستند و بر اساس آن جایگاه سنجیده می‌شوند اما پس از انتخاب یک فرد به عنوان رهبر جامعه اسلامی جایگاه این فرد تغییر می‌کند و در اجرای رهنمودها و دستورات مولوی ایشان همگان وظیفه اطاعت دارند چه اعضای مجلس خبرگان و چه سایر مردم و حتی فقهای بزرگ و مراجع عظام تقلید

این امر وظیفه خبرگان است اما همانگونه که در مسئله انتخاب رهبر از میان فقها صاحب صلاحیت‌های مصرح در قانون اساسی، خبرگان ملت باید شرایط را احراز کنند و فرد را انتخاب نمایند همچنین باید بر تداوم شرایط نیز مراقبت داشته باشند و این بدین معناست که خبرگان ملت در باب تداوم شروط رهبری موجود در قانون اساسی نظارت دارند.

طبق قانون اساسی رهبری اختیاراتی دارند از جمله تعیین سیاست‌های کلی نظام، فرماندهی کل نیروهای مسلح، عزل و نصب عالی‌ترین مقام قضایی و رئیس سازمان صدا و سیما، امضای حکم ریاست جمهوری و عفو و تخفیف مجازات محکومین ولی تا زمانی رهبر این اختیارات را دارا است که شرایط لازم و ضروری رهبری تداوم دارد که از جمله آن‌ها تقوا و عدالت است که لازمه‌اش مقابله با هر گونه ستم و ناروایی است که به طور مثال تخلفات دستگاه‌های زیر مجموعه رهبری باید به معظم‌له گزارش شود که قطعا بر خورد مناسب با آن صورت خواهد گرفت.

این نکته را باید توجه داشته باشیم که میان رفتار و کارهای شخصی رهبری یا فعل و اقدامات دستگاه‌های تابعه و زیرمجموعه باید تفاوت قائل شد و نباید ابتدا به ساکن هر رفتار دستگاه زیر مجموعه را به نام رهبری نوشت. در تاریخ اسلام آمده رسول گرامی اسلام(ص) مأموری فرستاده بود برای انجام کاری، این فرستاده بد عمل کرد و رفتار و عمل زشتی مرتکب شد و قصد کرد در برگشت گزارش دروغ خدمت رسول خدا ارائه کند تا خود را تبرئه کند اما امین وحی جبرئیل آمد، رفتار و کردار او را افشا نمود که به سبب آن آیه ششم سوره حجرات نازل شد و این رفتار عامل عیب رسول خدا نبود. البته همانگونه که گفته شد برخورد مناسب با رفتار و فعل غلط دستگاه‌های تابعه خود بخشی از عدالت و تقوا است که بی‌شک باید واقع شود. خبرگان ملت هم مسئول نظارت بر تداوم این شروط هستند و تا زمانی که شرایط لازم رهبری در وجود ولی امر تداوم دارد، دولت و ملت و حتی خبرگان و مراجع عظام تقلید باید از اوامر مولوی ایشان تبعیت کنند.

به عنوان آخرین پرسش آیا خبرگان رهبری به جز مباحث مربوط به تعیین و نظارت بر تداوم شروط رهبری وظایف دیگری نیز بر عهده دارند؟

مجلس خبرگان مجلسی است که برای حفاظت از دستاوردهای انقلاب و نظام جمهوری اسلامی و مشروعیت بخشیدن به آن نقش اساسی دارد. این مجلس که متشکل از مجتهدین تراز اول و افراد برجسته در آگاهی و تعهد اجتماعی و انقلابی است، حساس‌ترین وظایف را در نظام جمهوری اسلامی بر عهده دارد و ضامن بقا و استمرار نظام اسلامی در خطیرترین لحظات و پشتوانه‌ای عظیم برای نظام است. به همین دلیل خبرگان ملت همانگونه که در انتخاب رهبر و اشراف بر کار او و احراز تداوم شرایط و صفات رهبری مسئولیت دارند و به موقع می‌توانند اظهار و اقدام نمایند، برای تبیین مواضع رهبری در جامعه و سوق دادن دولت و ملت برای تبعیت از مقام معظم رهبری و اجرای رهنمودها و فرامین ایشان نیز وظیفه‌مند می‌باشند و باید در این راستا تمام تلاش خود را مذبول دارند و این کار وظیفه مهمی است یعنی علاوه بر تعیین، تقویت رهبری نیز از وظایف خبرگان می‌باشد.

تجربه ۲۷ سال گذشته نشان داده‌است که در مواقع خطر و بروز فتنه‌ها چه در ایام زعامت امام راحل و چه در دوران امامت خلف صالح ایشان، روشنگری‌ها و هدایت‌های حکیمانه امام ملت، مملکت و نظام اسلامی را از مهلکه‌های سنگین نجات داده‌است. اگر به بحران‌های انقلاب اسلامی پس از پیروزی بنگریم می‌بینیم به جز در این هدایت‌های امام امت هیچ راهی برای عبور از آن‌ها وجود نداشت و تبیین این نکات و درایت‌ها وظیفه‌ای است که بر دوش خبرگان ملت قرار دارد تا با اطلاع‌رسانی و تشریح خدمات و برکات ولایت آن را تقویت کنند.